



Chief Editor's Note

## The role of papers in academic promotion

GholamReza Fadaie

Professor, Department of KIS, University of Tehran, Iran

ghfadaie@ut.ac.ir

Writing research papers and books as well as publishing in scientific journals are very important in universities' scientific promotion. They have a veto-like role in promotion procedure. Reaching high level in academic procedure is valuable, provided that scientific activities reach the highest points and, above all, can be used in solving each country's internal problems.

Here, by papers, I do not refer to fake and stolen papers; I am referring to those papers which researchers and the authors consider to be true papers but they are not, since they seem to be artificial, or the variables used in them are insignificant, or they are of no use to the society's interests and do not increase one's knowledge.

It is said that some scientific groups are jealous of others' promotion and do not want to increase the number of members of their team. It may be true, but we must also take into account that the true ranking level of universities is much more important.

I should mention that in some scientific groups, besides self-citation, team citations occur frequently, which takes place when authors cite their teammates' works.

In some countries such as Iran, there is more attention to ISI citations, while it should not be the main element in academic promotion. Some foreign journals might accept weak papers because they offer some new information about their countries or they may help other countries' projects, but they are useless in terms of own countries.

It is very bad that for some writers of articles, external acceptance is more valuable than its inner usability. This also the case for the Ministry of Science, Research and Technology (MSRT)'s preferences, policy and its scientific management.

It is mostly heard that some professors have been listed among the top one percent of authors in the world. This matters without taking into consideration that how a professor can reach to this position and how he/she can write or manage these number of articles by himself and also without taking into consideration whether it is right for a professor to appropriating a student's work. Furthermore, it is more important to ask how these articles can solve their home countries'

problems. We have a proverb that “science which is used without capability is like a tree without fruit”.

Of course, it must be mentioned that judgment for professors regarding their colleagues’ scientific promotion is not easy by itself. But this toughness and complexity must be a good criterion for promotion. Therefore, one may have not so many articles published but has the capability to criticize others’ works instead. Unfortunately, the MSRT has no idea of this.

I suggest that a person’s paper or book should be reviewed and criticized by his colleagues first, before and after its publication, considering its gains for local, national or international interests. This can prevent copying and worthless writings.

**Citation:** Fadaei, GH.R. (2021). Editorial Notes- The role of papers in academic promotion. *Research on Information Science & Public Libraries*. 26(4), 589-595.

Research on Information Science and Public Libraries, 2021, Vol.26, No.4, pp. 589-595  
© Iran Public Libraries Foundation



شماره چاپی: ۵۷۳۰-۲۶۴۵  
شماره الکترونیکی: ۶۱۱۷-۲۶۴۵

تحقیقات اطلاعاتی و کتابخانه‌های علمی



سخن سردبیر

## بلای ارتقا و نقش امتیاز مقاله و کتاب در آن

غلامرضا فدایی

استاد، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

ghfadaie@ut.ac.ir

پژوهش در ارتقای دانشگاهی نقشی تعیین‌کننده و به‌تعبیری و تویی دارد که بسیار خوب است، اما به نظر می‌رسد باز هم نتوانسته است تأثیر لازم را در کیفیت ارتقای استادان بگذارد. در جلسه‌ای در بررسی مقالات مجله تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی و شبکه از ارسال مقالات کم‌محتوا توسط نویسندگان، فردی اظهار داشت که: «شهرستان‌ها برای ارتقا مثل تهران سخت نمی‌گیرند؛ دانشگاه‌های شهرستان‌ها عموماً علاقه‌مندند تا زودتر بتوانند با داشتن استادانی با درجه بالاتر دوره‌هایی را برای خود تأسیس کنند». فردی دیگر گفت: «در تهرانش هم هر دانشگاهی برای خود ضابطه‌ای دارد».

من در این باره قضاوتی ندارم، اما اگر چنین مسابقه‌ای بین دانشگاه‌ها در این سطح وجود داشته باشد و دانشگاه‌ها با هم و به‌ویژه در مقابله با دانشگاه‌های مستقر در تهران چنین نیتی در سر داشته باشند بسیار خطرناک است. البته، زودتر ارتقا گرفتن از نظر استادان امری مطلوب و دوست‌داشتنی است، اما حیثیت دانشگاه‌ها و از آن مهم‌تر حیثیت علمی کشور بسیار مهم‌تر است و همه ارکان یک نظام باید به فکر ارتقا کیفی به‌معنای واقعی باشند.

داشتن هیئت‌مميزه هم امتیازی است که وزارتخانه به بعضی دانشگاه‌ها می‌دهد، اما بدیهی است که هر دانشگاهی هم مایل است هیئت‌مميزه مخصوص به خود داشته باشد.

این نکته هم گفتنی است که عده‌ای در گروه‌های آموزشی و کمیته‌های تخصصی نسبت به ارتقای همکارانشان بخل می‌ورزند و برای آنکه دایره اختیارات گروه و سپس رشته از دستشان در نرود سعی می‌کنند کمتر کسی وارد محدوده اقتدارشان شود و سخت‌گیری‌هایی نه به‌لحاظ علمی، بلکه به‌لحاظ حرفه‌ای و گاهی سیاسی دارند؛ من خود شاهد بوده‌ام که مقاله مدیر گروه آموزشی توسط معاون پژوهشی دانشکده که مدیر مجله هم بود بدون هیچ‌گونه اظهارنظری و گرفتن عیبی حدود دو سال و نیم معطل شد.

اما طرف دیگر قضیه هم مشکلات دیگری ایجاد می‌کند؛ زیرا ولنکار بودن هم آبروی دانشگاه و علم را می‌برد. باید راه‌حلی دیگر اندیشید. کنکور و نظام کنکوری هم بلای جان آموزش کشور شده است که به‌جای عالم پروراندن، نخبگان تست‌زن و حرفه‌مندان دقیقه‌نودی می‌پروراند.

من در اینجا بحثم دربارهٔ مدارک قلابی و سرقت‌های علمی نیست که آن امری جداگانه است و حیثیت ملی و بین‌المللی ما را در معرض مخاطره قرار می‌دهد، بلکه اینجا بحثم بیشتر دربارهٔ آثاری است که به‌ظاهر پژوهش‌اند و نویسنده فکر می‌کند کاری محققانه انجام داده است در حالی که یا کپی‌برداری است یا پژوهش درمورد متغیرهای بی‌ارزش و کم‌ارزشی است که هیچ مشکلی را حل نمی‌کند و بر دانش کسی نمی‌افزاید.

پژوهش جایگاهی بس رفیع دارد و باید در عرصهٔ ملی و سپس بین‌المللی اثرگذار باشد. در غیر این صورت، مقوله‌ای کمی می‌شود که گاه با استندهای نابجا و زائد برای خود جایگاهی را متصور است. باید اضافه کرد که اعضای بسیاری از گروه‌های آموزشی برای خود تیم و گروهک می‌سازند و در مراحل مختلف پژوهشی به هم وابسته می‌شوند. اینان در استناد دادن به هم پاس می‌دهند و به‌جای خوداستنادی که وقتی از حدش گذشت امری مذموم می‌شود گرفتار تیم استنادی خودخواسته می‌شوند و ملاحظه می‌شود در حوزه‌ای خاص، نام چند تن در کنار یکدیگر همواره مطرح است.

توجه بیش از حد به داشتن مقالات آی‌اس‌آی از طرف نظام آموزش دانشگاهی کشور هم مزید بر علت شده است، اما باید دید چرا؟ مقالات آی‌اس‌آی گرچه محسناتی دارند، اما باید پرسید که آیا یک مقالهٔ آی‌اس‌آی آن‌قدر در سطح جهانی بدیع بوده که به کشف مسئله‌ای در جهان انجامیده یا به پژوهش‌های علمی جهانی کمکی کرده یا اینکه مطرح شدن مقاله به‌خاطر این است که نویسنده اطلاعاتی را از کشور خود به کشورهای توسعه‌یافته عرضه کرده است که آن‌ها یا از روی کنجکاوی یا سیاه‌نمایی از آن خوششان آمده و آن را منتشر کرده‌اند؟ این‌ها همه قابل بررسی است. بنابراین، صرف انتشار در مجلات خارجی ممکن است برای فرد نمره مثبتی باشد، ولی باید دید آیا در دایرهٔ منافع ملی هم پایه و وجهه‌ای دارد یا خیر؟ آیا مشکلی از مشکلات مردم را حل کرده است یا نه؟ بدیهی است که در نظام ارتقا معمولاً کسی به این مسائل کار ندارد، یا کمتر کار دارد و فقط انتشار مقاله در نشریهٔ بین‌المللی را اعتبار می‌دانند، زیرا آیین‌نامه یا دستورالعمل مشخصی در این زمینه وجود ندارد.

در دنیا، فرایند ارتقا مانند ما نیست و همچنین به نظر نمی‌رسد که دانشگاه‌های بزرگ در دنیا نگران رتبه‌بندی باشند؛ اما سایر دانشگاه‌ها سعی دارند خود را با معیارهای آنان تطبیق دهند. شاید هم سازمان‌های رتبه‌بندی‌کننده همچون آی‌اس‌آس دکنهایی درست کرده‌اند تا عده‌ای را سرگرم کنند و از طریق این مؤسسات خواسته‌های خود را به‌لحاظ آموزشی یا پژوهشی به آنان بقبولانند. البته، این به معنای بد بودن نظام رتبه‌بندی نیست، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. مشکل در کمی‌نگریستن به رتبه‌بندی است و اینکه بسیاری به جای پرداختن به محتوا به قالب خواسته‌های آنان می‌نگرند و خود را اسیر مقادیر کمی می‌کنند.

بسیار شنیده می‌شود که فلانی جزء یک درصد دانشمندان جهانی است، یا مقاله او جزء پراستنادترین مقالات قرار گرفت، یا او از نظر تعداد مقاله رتبه بین‌المللی یافت، صرف‌نظر از اینکه یک فرد در عمر علمی خود چقدر می‌تواند مقاله بنویسد و اینکه آیا کار دانشجویان را به نام خود مصادره کردن کار درستی است یا خیر، باید دید این مقالات و پژوهش‌ها چقدر از مشکلات مردم را حل می‌کنند. علم بدون کاربرد مصداق بارز علم بی‌عمل است.

این چه بلایی است که به جان مقالات یا کتب علمی افتاده که مقبول خارجی بودن در سرتاسر وجود ما رخنه کرده است و به این زودی هم از بین نمی‌رود. مشابه این ماجرا در امور سیاسی مصداق دارد، جایی که عده‌ای چشم به خارج دوخته و میل دارند قبل از اینکه در داخل توسط مردمشان مقبول واقع شوند خارج آن‌ها را تأیید کند. در امور دیگر هم همین طور است. مگر در پزشکی مبنای مقبولیت متخصصان وزارت بهداشت ما پذیرش سازمان بهداشت جهانی نیست؟ در غذا و دارو هم همین است. در سایر امتیازات دانشگاهی و در فرهنگ و امور اجتماعی هم همین طور است. وابستگی یا خودباختگی بلایی است که اول از همه فکر انسان را درگیر می‌کند، و آنگاه بروز و ظهورش در همه شئون زندگی مشاهده می‌شود. در امور مذهبی هم همین طور! فراموش نمی‌کنم که قبل از انقلاب ورد سخنرانان مذهبی مترقی ما دکتر الکسیس کارل یا گوستاولوبون و امثالهم بود و الان هم اگر بخواهند حجیت مطلبی را به رخ بکشند از تأیید یا رد آن توسط یک خارجی مثال می‌آورند. البته این یا به‌خاطر ضعف سخنران یا تغییر مذاق جامعه یا هر دو بود، و صد البته که دیگران بسیار بیشتر و بهتر از ما کار کرده‌اند، ولی فرق است بین خودباختگی و تسلیم و خودباوری و گزینش نقادانه!

بررسی این موارد از جانب هیئت‌های علمی برای ورود به عرصه ارتقا آن‌هم بی‌نظرانه و خیرخواهانه کار آسانی نیست، ولی همین مشکل بودن کار باید محکی برای ارتقا باشد. بنابراین، ممکن است کسی خود مقاله معتبری نداشته باشد اما نقدهای عالمانه او از هر مقاله علمی برتر باشد. متأسفانه، وزارتخانه آموزش عالی ما برای این امر نه معیاری دارد و نه اعتباری قائل است.

چه بسیار دسته‌بندی در گروه‌های آموزشی برای گرفتن پایان‌نامه یا رساله وجود دارد؛ و چه تلاش، یا حتی خواهش و تهدیدی که صورت نمی‌گیرد تا دانشجویانی با افراد خاصی پایان‌نامه یا رساله بگیرند که از نظر اخلاق استادی در جای خود قابل‌بحث است و خود همین‌ها و مقالاتی که از آن‌ها استخراج می‌شود و گاه با فشار در مجلاتی چاپ می‌شود در ارتقا مؤثر است.

پیشنهاد من این است که هر مقاله یا کتابی که در رشته‌ای نوشته می‌شود قبل از انتشار، ویرایش علمی و ادبی شود و پس از انتشار فوراً توسط سایر متخصصان آن رشته مورد نقد و بررسی عالمانه قرار گیرد. رودرپایستی‌ها باید کنار گذاشته شود. اعضای هیئت علمی در کنار تیریک گفتن به هم برای انتشار مقاله یا کتابشان، سکوت را بشکنند و خیرخواهانه و دوستانه به نقد و بررسی بپردازند و محاسن و معایب آن‌ها را بگویند. سکوت معنادار و از کنار این قضیه سبک‌بار گذاشتن و خود را درگیر مسائل حرفه‌ای نکردن آفتی جدی برای این قضیه است. نتیجه این می‌شود که اعضای هیئت علمی در هر رشته کار مشابه و تکراری انجام می‌دهند.

بنابراین، مورد نقد قرار نگرفتن اثری از جانب اعضای هیئت علمی مرتبط باید از طرف کمیته‌های تخصصی و سازمان‌های ارتقا در سطوح بالاتر مورد پرسش قرار بگیرد. باید سؤال شود مقاله یا کتاب عضو هیئت علمی چرا توسط هم‌رشته‌ای‌هایش مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است؟ آیا کار آن‌قدر ضعیف یا تکراری بوده که قابل بررسی نبوده است یا سطح علمی آن‌قدر بالا بوده که کسی جرئت اظهار نظر نداشته است؟ یا مناسبات دیگری بر جامعه علمی حاکم بوده که مانع از انجام این کار شده است؟ دست کم می‌توانستند در تعریف و تمجید اقدام کنند و برای معرفی بیشتر کاری انجام دهند. در خارج، معمولاً هر اثری چاپ می‌شود. علاوه بر اظهار نظرهای علمی، خوانندگان هم نظرات خود را بیان می‌کنند که به نوعی نشان از ارتباط نوشته با جامعه دارد.

بررسی این موارد و پرسش از آن‌ها پویایی رشته‌ها و گروه‌ها را می‌رساند و قصد و غرض‌ها را در مقابل خیرخواهی‌ها روشن می‌کند. در جوامع علمی واقعی، هر کار علمی را گامی در جهت پیشرفت یا برون‌رفت می‌دانند که دیگری نه در مقام دفع بلکه در جهت پیشبرد اهداف علمی به آن نگاه، و حسادت را به رقابت سالم بدل می‌کند.

نقد سازنده انسان را در هر کاری ورزیده و مسیر را برای ارتقای واقعی هموار می‌کند. در جلسه‌ای در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در جلسه نقد کتاب گفتم هر کس کتابی می‌نویسد باید در مقدمه کتابش دست کم به تعدادی از مهم‌ترین کتاب‌های رشته خودش که مربوط به موضوع نگارش آن کتاب است به نحوی نقد گونه اشاره کرده، یا دست کم توصیف و اهمیت و ضرورت نگارش کار خودش را در کنار آن‌ها بیان کند؛ در غیر این صورت، آن کتاب برای نقد پذیرفته نشود.

در مقاله هم همین طور! بسیاری از نویسندگان در بررسی ادبیات پژوهش فقط اشاره به مقالات نوشته شده دارند و فهرست منابع را پر می‌کنند بدون آنکه نقادی داشته باشند و ارزش کار خود را در قبال آن نوشته‌ها نشان داده باشند.

وابسته کردن دانشگاه به صنعت و اینکه استادان باید برای دانشگاه طرح درآمدا بیاورند دارای محسنات و معایبی است که باید ارتباط آن با ارتقا در جای خود مورد بحث قرار گیرد.

نبودن نظارت کافی در این زمینه سبب شده است تا در دانشگاه‌ها تازه کاران با توصیه پیش‌کسوتان یا بدون آن، آیین‌نامه ارتقا را می‌گیرند و جلوی خود می‌گذارند و سعی می‌کنند مطابق آن عمل کنند. خود افرادی را شاهد بوده‌ام که صلاحیت کافی نداشته‌اند اما چون امتیازات را مطابق جدول پر کرده‌اند ناگزیر نمره ارتقا گرفته‌اند.

علم‌سنجی که من خود مدافع آن بوده‌ام می‌رود که خود آفتی برای نظام ارتقا شود اگر همواره به جنبه‌های کمی بسنده کند. ما ارتقا را به کارخانه استاد ساختن تبدیل نکنیم و در درجه اول به کیفیت بها دهیم و از انحصارگری و حسادت در حوزه علم بپرهیزیم و آن را به رقابت سالم تبدیل کنیم.

استاد: فدایی، غلامرضا (۱۳۹۹). یادداشت سردبیر - کتابخانه‌های آموزشی مجازی. تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی. ۲۶(۴)، ۵۸۹-۵۹۵.

تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی. دوره ۲۶، شماره ۴، صص ۵۸۹-۵۹۵  
© نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور